

درس اول

قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.

آیه ۲۰

سوره فرقان ۲۵

پیغمبر گفت: صاحب اختیار قوم من قرآن را مهجور و جداخته ترک گفته.

قَالَ: لَقَدْ رَسُوْلٌ فَرَسَدَهُ پيغمبر. يَا اَيُّ رَبِّ: صاحب اختيار من. صاحب اختيار. اِنَّ: خبری که قَوْم: قوم، قوم ی من. اَم: اِتَّخَذُوا: گرفتند. هَذَا: این. الْقُرْآن: قرآن را مَهْجُور: جداخته. تَرَكَ: ترک گفته.

این آیه را با معنی روان دلغت می آن و شماره آیه و سوره و نام سوره آن یاد بگیرید و در معنی آن کاهله فکر کنید. تا خوب متوجه آن شوید.

اِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ لِقَطْعِ الدَّلِيلِ الْمَطْمُ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ. رسول خدا ص

اصول کافی

وقتی فتنه مثل باره های شب تاریک کار بر شما شمشبه کرد، وظیفه شماست که از قرآن راهنمایی خواهید.

اِذَا: وقتی که زمانی که. مَوْقِعِي: موقعی که. هُنَّكَامِي: هنگامی که. التَّبَسَّطَ: شمشبه شد. شمشبه می انداخت. عَلَيَّ: بجمالی: بر. كُمْ: شما. الْفِتْنُ: فتنه.

فِتْنَةٌ: اختراقات. كَ: مثل. مَانِدٌ: لیل. تَبَّ: شطیم: تاریک. فَ: پس. بَابِرَ اِيْنِ عَلَيْكُمْ: بر شما. بِ: به. الْقُرْآن: قرآن

تذکره: این کلمات در قرآن زیاد می آید آنها را کاهله حفظ کنید. شما در فهم معنی قرآن بیشتر کمک کنید.

يَا اِنَّكَ يَا هَذَا. اِذَا عَلَيَّ عَلَيَّ كُمْ كَ. فَ. بِ.

دو قاعده مهم: اگر اسمی بعد از فعل بیاید و آخر آن فتنه (ت) داشته باشد، آن اسم فاعل یعنی گفته کار عبده است.

مثل: الرَّسُولُ وَالْفِتْنُ

اگر اسمی بعد از فعل بیاید و آخر آن فتنه (ت) داشته باشد، آن اسم مفعول عبده است و فتنه (ت) آن معنی را نمیدهد.

مثل: الْقُرْآن

۵۰ آیه اول سوره بقره را نگاه کنید، و هر جا یکی از این کلمات یا علامات را دیدید آن را معنی کنید.

درس دوم

فَأَقْرُوا مَا نَتَسَّرُ مِنَ الْقُرْآنِ

سوره ۷۳۰ نزل

آیه ۲۰

بنابراین تا آنجا که می توانید قرآن بخوانید.

ف: پس. بنابراین اقرؤا: بخوانید ما: آنچه تيسر است. يمكن است. مي توانيد. من: من. من: از القرآن: قرآن را

آیه را با معنی روان و لغت ۱۰ شماره آیه دومه و نام سوره یاد بگیرید و حکم خداوند را اجرا کنید و تا آنجا که می توانید قرآن بخوانید.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

سوره ۴ نساء

آیه ۸۲

آیا در باره تنبی آیات قرآن نمی اندیشند؟

أَهْلٌ: آیا ف: پس. بنابراین. لا: نه. يَتَذَكَّرُونَ: می اندیشند. فکرمیکنند. لا يَتَذَكَّرُونَ: نمی اندیشند. الْقُرْآنَ

توجه داشته باشید که تا معنی قرآن را تفهیم نمی توانید درباره آن فکر و اندیش کنید. پس اگر عربی نمی دانید برای فهم قرآن ترجمه آن را بخوانید.

علامه طباطبائی ذیل این آیه تفسیر المیزان میفرماید: «از این آیه واضح شد که فهم آی عبادی قرآن را نمی فهمند و بطآن می رسند.»

معنی این کلمات را خوب یاد بگیرید. چون شما در فهم معنی قرآن کمک میکنید. چون در قرآن زیاد است. ف: ما. من. ا:

قاعده: اگر جمله ای داشته باشیم که اول آن «لا» یا «لای» و آخر آن «وَن» باشد نشان میدهد «آنها»

«اینکار میکنند» برای معلوم شدن کاری که میکنند «لا» و «وَن» و حرکات آن را بر می آوریم و آنچه باقی مانده می بینیم.

مثل يَظْلِمُونَ: ظلم میکنند. يَكْتُمُونَ: کتب میکنند. يَنْفِقُونَ: انفاق میکنند. يُؤْمِنُونَ: ایمان دارند.

توجه: الْقُرْآنَ «قرآن را» فتم (آخِرُ) «نشان مفعول است و معنی «را» میدهد ولی مفعول

بواسطه در زبان فارسی فرق میکند. یعنی در معنی بان مفعول بواسطه یا صیغ بکار میبرند و در زبان دیگر مفعول بواسطه یعنی

با یکی از حروف اضافه. در ترجمه باید توجه داشت که وقتی از زبانی که مفعول بواسطه بکار رفته به زبان دوم ترجمه

میکنیم حرف اضافه را اضافه کنیم و وقتی بعکس است باید حرف اضافه را حذف کنیم لذا «قرآن را» را در قرآن «را»